



مجاز در صورت‌های خطابی زبان فارسی

پوریا محمدی پیوند^۱

بهزاد رهبر^۲

راحله گندمکار^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی چگونگی رخداد فرایند مجاز در صورت‌های خطاب زبان فارسی پرداخته است که ابزاری اجتماعی‌زبانی برای ارجاع به مخاطب به شمار می‌روند. هدف از این پژوهش، تشخیص انواع روابط معنایی حاکم بر صورت‌های مختلف خطاب در زبان فارسی بود که تحت عنوان فرایند مجاز شناخته می‌شوند. برای این منظور، ۵۰۰ جمله دارای صورت خطاب که احتمال وجود فرایند مجاز در آن‌ها می‌رفت، از پیکره‌های دادگان، پیکره کتابخانه دیجیتال فارسی، پیکره متنی زبان فارسی و پیکره موجودیت نام‌دار و واحدهای اسمی آرمان گردآوری شد؛ در ادامه با تحلیل رابطه معنایی موجود در آن‌ها، اعم از نوع علاقه‌ها یا کاهش معنایی، داده‌های هر پیکره به گونه‌ای جداگانه طبقه‌بندی شد و بسامد و تنوع صورت‌های خطاب در تقابل با روابط معنایی به نمایش درآمد. در نهایت، این پژوهش ضمن تصدیق وجود فرایند مجاز در

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی تهران؛ pouriya_mohammadi@atu.ac.ir

^۲ استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

behzadrahbar@atu.ac.ir؛ *نویسنده مسئول

^۳ استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

r.gandomkar@atu.ac.ir

صورت‌های خطابی زبان فارسی، دسته‌بندی گویا و جامعی از این ابزارهای زبانی مهم ارائه کرد که علاوه بر توجه به دو کارکرد ارجاعی و غیرارجاعی، به معرفی زیرشمول‌هایی از صورت‌های خطاب ارجاعی انجامید. به علاوه، دسته‌بندی‌های جدیدی از صورت‌های خطاب اعم از 'خطاب‌های عاطفی' و 'خطاب‌های متضاد' معرفی شد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است صورت‌های خطاب می‌توانند دارای روابط معنایی متعددی باشند که تحت عنوان 'فرایند مجاز' شناخته می‌شود. در واقع انواع گوناگون مجاز می‌تواند منجر به تفکیک صورت‌های ارجاعی خطاب شود و این امر می‌تواند زمینه‌ای را برای بررسی کاربرد صورت‌های خطاب در زبان‌شناسی اجتماعی و بازنگری اسلوب‌های خطاب در مباحث ادب‌پژوهی فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: صورت‌های خطاب، مجاز، استعاره، کاهش معنایی، ادبیات، زبان‌شناسی اجتماعی

۱. مقدمه

چگونگی ارجاع به مخاطب در رویدادهای کلامی، موضوعی است که ذهن پژوهشگران بسیاری را به خود معطوف کرده است. 'صورت‌های خطاب'^۱ ابزاری برای ارجاع به مخاطب معرفی شده‌اند و تاکنون در مباحث زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ادب‌پژوهی به این ابزارهای مهم زبانی پرداخته شده است؛ با این حال آنچه مسلم است، اغلب پژوهش‌های انجام‌شده بر نقش اجتماعی و فرهنگی صورت‌های خطاب تأکید دارند و این صورت‌ها را متأثر از عواملی چون جنسیت، سن، فرهنگ، مذهب، جغرافیا، بافت موقعیتی، حالات عاطفی، تحصیلات و منزلت اجتماعی طرفین عنوان می‌کنند. با این همه، پیشینه پژوهش‌ها درباره اینکه صورت‌های خطاب منحصراً در گفت‌وگوهای تعاملی رو در رو کاربرد می‌یابند یا کاربرد برون‌متنی و فرابافتی نیز دارند، دارای اتفاق نظر نیستند.

¹. Terms of Address

صورت‌های خطاب نوعی سرمایه عاطفی به‌شمار می‌روند که استفاده از آن‌ها در رویدادهای کلامی بر قرارگیری طرفین در جایگاهی مطمئن‌تر تأثیرگذار است و می‌توان از آن به‌عنوان ابزاری برای 'حفظ وجهه' یاد کرد (Marzi et al., 2021). از همین رو، براون و گیلمن^۱ (۱۹۶۰) خطاب‌ها را شاخصی در نظر می‌گیرند که به تبیین رابطه عاطفی، فاصله موقعیتی و جایگاه اجتماعی طرفین (گوینده و شنونده) کمک می‌کنند.

تأثیر پذیری صورت‌های خطاب از فرهنگ و جامعه، سبب بروز محدودیت در جهانی‌های آن شده است؛ تا حدی که برخی از پژوهشگران، دسته‌بندی صورت‌های خطاب را پدیده‌ای زبان‌ویژه یاد می‌کنند. تا به امروز، دسته‌بندی‌های گوناگونی به‌لحاظ ساختاری و محتوایی برای صورت‌های خطاب معرفی شده است؛ البته باید اذعان داشت که تاکنون بررسی استعاره‌ها در صورت‌های خطاب زبان فارسی، جذابیت ویژه‌ای در مباحث زبان‌شناسی داشته است. توجه به این موضوع پس از روی کار آمدن مباحث ساخت‌گرایی و پس از آن، رواج دیدگاه‌های شناختی افزایش یافت و استعاره‌ها بنا بر آنچه لیکاف و جانسون^۲ (۱۳۹۹) اذعان می‌کنند، به‌عنوان تداعی‌کننده بخش عمده‌ای از شناخت آدمی مطرح شدند.

از سوی دیگر و با بازتعریف استعاره در مباحث زبان‌شناسی، به فرایند مجاز در زبان خودکار نیز توجه شد و بنا بر لیکاف و جانسون (۲۰۰۳)، مجاز فرایندی معنایی در زبان خودکار قلمداد می‌شود که در تغییرات دائمی مفاهیم زبان خودکار دخالت دارد. با وجود این، باید گفت که فرایند مجاز به‌عنوان یکی از عناصر بلاغی در مباحث ادب پژوهی، از دوران باستان تا به امروز مورد توجه قرار داشته است. این فرایند که به‌گونه‌ای سنتی به استفاده از چیزی به‌جای چیز دیگر، برحسب 'مجاورت' شناخته می‌شود، با استفاده از مفاهیمی مانند علاقه‌ها و قرینه‌ها تعریف شده است؛ اگرچه در برخی دیدگاه‌های معنی‌شناختی متأثر از ساخت‌گرایی در قرن بیستم، مجاز در واقع بخشی از فرایند معنایی گسترده‌تری به نام 'گاهش'^۳ توصیف می‌شود.

1. Roger Brown and Albert Gilman

2. George Lakoff and Mark Johnson

3. decreasing

گرچه توجه به صورت‌های خطاب از منظر استعاره‌ها به معرفی دسته‌بندی مهمی از این ابزارهای زبانی منجر می‌شود، پژوهش حاضر بر این فرض است که روابط معنایی گسترده‌تری نسبت به تشابه بر تشکیل یا انتخاب صورت‌های خطاب حاکم هستند که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان فرایند مجاز بررسی کرد. افزون بر این، می‌توان به این امر توجه داشت که برخی صورت‌های خطاب برای مقاصد غیر از ارجاع به مخاطب در رویدادهای کلامی به کار می‌روند و اهدافی گفتمانی را دنبال می‌کنند که متحمل نقش عاطفی است؛ از همین رو، می‌توان به دو کاربرد ارجاعی و غیرارجاعی برای صورت‌های خطاب در زبان فارسی قائل بود. این موضوع، علاوه بر بازنمایی شفاف‌تر ساختار صورت‌های خطاب، می‌تواند به ارائه دسته‌بندی جدیدی از این ابزارهای زبانی منجر شود.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه در خصوص وجود فرایند مجاز در صورت‌های خطابی، نیازمند بررسی پیشینه پژوهش‌ها در خصوص مجاز و صورت‌های خطاب است.

۱.۲. مجاز

بی‌گمان منطقی‌ترین و بهترین راه برای تبیین عناصر ادبی، بازکاوی آن‌ها در چارچوب‌های زبان‌شناسی است؛ از این رو، موضوع مجاز و استعاره که از دیرباز به عنوان گونه‌ای از عناصر ادبی صنعت بلاغی در نظر گرفته می‌شدند، با روی کار آمدن ساخت‌گرایی در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی و مورد توجه قرار گرفتن آرای سوسور (۱۹۱۶)، اهمیت مضاعفی در زبان خودکار یافتند و نگرش‌های تازه‌ای را به خود معطوف کردند. معرفی دیدگاه دوبُعدی سوسور و تبیین محور جانشینی و هم‌نشینی، سبب شد تا ادب‌پژوهان و زبان‌شناسان مفاهیمی چون مجاز و استعاره را در زبان خودکار بازیابند؛ تا جایی که صفوی (۱۳۸۷) مجاز را بیش از اینکه صنعتی ادبی متصور شود، فرایندی معنایی در زبان خودکار ارزیابی می‌کند که در تغییرات دائمی مفاهیم آن دخالت دارد. بررسی و مطالعه عناصری چون مجاز و استعاره، قدمتی به اندازه اندیشه‌های باستانی دارد و نگاهی

¹ Ferdinand de Saussure

مختصر به سیر تکامل دیدگاه‌ها، کمک شایسته‌ای به شناخت آن در زبان خودکار و ادبیات خواهد کرد (Safavi, 2008).

صرف نظر از دیدگاه‌های ستیزه‌جویانه سقراط و افلاطون نسبت به ادبیات در قرون چهارم و پنجم پیش از میلاد مسیح، آرای ارسطو را می‌توان سرآغاز مطالعات و پژوهش‌های ادبی در نظر گرفت. چنان‌که صفوی (۱۳۸۰) اذعان دارد، ارسطو با دیدگاهی فارغ از خواص اخلاقی شعر برای آدمی، به دنبال کشف قواعدی برای آفرینش‌های ادبی بود و با اذعان به مفهوم 'خوشایندی' به‌عنوان غایت شعر، آرای خود در این باره را در رساله‌های «فن شعر» و «فن خطابه» عرضه کرد.

یاکوبسن^۱ (۱۹۵۶) با بررسی ادبیات از منظر زبان‌شناسی در مقاله‌ای با عنوان «دو جنبه زبان و دو نوع آسیب زبان‌پریشی» به تمایز میان دو مفهوم 'مجاز' و 'استعاره' توجه داشته است و آن‌ها را دو شیوه انتقال معنا می‌داند. یاکوبسن (۱۹۵۶) مجاز را حاصل توالی دو موضوع بر حسب مجاورت و استعاره را حاصل توالی دو موضوع بر حسب شباهت می‌داند. یاکوبسن در این مقاله با اذعان به ماهیت دوگانه زبان، مجاز را مربوط به عملکرد محور هم‌نشینی می‌داند و از مجاز 'جزء به کل' و 'کل به جزء' به‌عنوان انواع آن یاد می‌کند.

لاج^۲ (۱۹۷۶) ضمن تأیید آرای یاکوبسن مبنی بر استواری مجاز بر پایه تدام یا مجاورت، آن را نوعی عمل فشرده‌سازی معرفی می‌کند که از طریق فرایند 'حذف' انجام می‌گیرد؛ مانند حذف کل شیء یا حذف موصوف. علاوه بر این، لاج مجاز را حاصل عملکرد محور هم‌نشینی و استعاره را حاصل عملکرد محور جانشینی معرفی می‌کند.

لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) در کتاب «استعاره‌هایی که باور داریم» به‌واسطه اینکه مجاز را حاصل تداومی مستقیم می‌دانند، به تجربی بودن بیشتر آن نسبت به استعاره اذعان

¹ Jakobson

² Lodge

دارند. ایشان ادعا می‌کنند که در استعاره نیاز به نگاشت از یک قلمروی زبانی به قلمروی دیگر است؛ اما در مجاز این چنین نیست. افزون بر این، لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) بر این باورند که مجاز، عنصری وابسته به اندیشه است و در ارتباط با ساخت‌هایی بنیادین همچون طرح‌واره‌های تصویری، در مقوله‌بندی ما از جهان خارج ایفای نقش می‌کند.

صفوی (۱۳۸۰) در جلد دوم کتاب «از زبان‌شناسی به ادبیات» عنوان می‌کند که صناعی مانند 'مجاز'، 'استعاره'، 'تشبیه' و 'کنایه' ابزارهایی وابسته به معنی هستند که در فن بیان و شگردهای بدیع معنوی قابل‌بررسی هستند. صفوی (۱۳۸۷) در کتاب «درآمدی بر معنی‌شناسی» بر نقش فرایند 'مجاز' در زبان خودکار، بیش از دسته‌بندی آن به‌عنوان صنعتی ادبی تأکید می‌کند و آن را در تغییر دائمی مفاهیم زبان خودکار دخیل می‌داند. از نظر وی، مجاز نتیجه هم‌نشینی معنایی است. صفوی (۱۳۸۷) اشاره به موضوع شفافیت و تیرگی معنایی از گذر 'افزایش و کاهش معنایی' نگاه می‌کند. صفوی (۱۳۷۹) با توجه به مطالعه مجاز در پژوهش‌های ادبی، به بررسی رخداد این فرایند در زبان خودکار فارسی می‌پردازد و با ارائه‌ای از توصیف‌های تازه در این خصوص، چگونگی تبیین این فرایند از دیدگاه معنی‌شناسی را شرح می‌دهد. صفوی (۱۳۹۱) همچنین با بررسی دیدگاه‌های سنتی زبان‌شناسی، میان فرایند سنتی 'حذف' و فرایندی نو به‌نام 'کاهش' تفاوت قائل می‌شود و مبنای این تفاوت را موضوع درک معنی عنوان می‌کند.

گندمکار (۱۳۹۵) با اشاره به فرایند مجاز، آن را گونه‌ای از عملکرد فرایند 'کاهش' عنوان می‌کند. گندمکار و امید طیب‌زاده (۱۳۹۶) با نقد نظریه‌ای درباره چگونگی عملکرد معنا بر مبنای مجاز و استعاره در زبان با عنوان 'مفاهیم واژگانی و الگوهای شناختی'، بی‌معنایی مطلق واژه‌ها در رویکرد واژه‌بنیاد را ناشی از ایراد روش‌شناختی می‌دانند. همچنین گندمکار (۱۳۹۷) در بررسی جامع فرایند مجاز در

مطالعات پیشین، مفاهیمی از قبیل مجاورت، حشو، کاهش، حذف و بافت‌های ادراکی را دارای نقشی فعال در پدید آمدن فرایند مجاز عنوان می‌کند.

۲.۲. خطاب

صورت‌های خطاب را می‌توان رفتارهایی کلامی و طبقه‌بندی‌شده توصیف کرد که در ادبیات و زبان‌شناسی اجتماعی، نقش علائم اشاری بین فردی و همچنین ابزارهای انتقالی در روابط انسانی را ایفا می‌کنند (Leech, 1999).

در محدود پژوهش‌هایی که در چارچوب زبان‌شناسی درباره صورت‌های خطاب زبان فارسی انجام شده است، دسته‌بندی‌های مختلفی را برای این کنش زبانی معرفی کرده‌اند که بسته به ساختار، محتوا، نوع بافت زبانی و نوع مخاطب قابل ارزیابی است؛ هرچند این‌گونه به‌نظر می‌رسد که جامع‌ترین دسته‌بندی ارائه‌شده از صورت‌های خطاب در زبان فارسی، متعلق به احمدخانی (۱۳۹۳) است. این پژوهش با اذعان به اینکه نام کوچک در زبان فارسی بی‌نشان‌ترین صورت خطاب است، صورت‌های محاوره‌ای خطاب را شامل مواردی چون اسامی شخصی، عناوین، عبارات مذهبی، عبارات شغل‌محور، عبارات خویشاوندی، عناوین احترام‌آمیز، عبارات خودمانی، ضمائر شخصی و عبارات توصیفی معرفی می‌کند. علاوه بر این، عبارات‌های خطاب معکوس، عبارات‌های خطاب صفر، استراتژی‌های طفره و تابوها و همچنین خطاب‌های استعاری به‌عنوان دسته‌بندی دیگری از صورت‌های خطاب، در کنار صورت‌های خطاب محاوره‌ای یاد شده است.

صورت‌های خطاب اطلاعات مهم فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرند. این صورت‌ها انعکاس‌دهنده برداشت و نگرش افراد درباره مخاطب خود هستند و به‌نوعی، شاخصی برای تبیین نوع رابطه‌گوینده و شنونده به‌حساب می‌آیند؛ تا جایی که افول (۲۰۰۶) بر این باور است که صورت‌های خطاب، از باارزش‌ترین داده‌های زبانی محسوب

¹. Afful

می‌شوند و انعکاس‌دهنده رفتارها و موازین جامعه هستند. آنچنان که براون و لوینسون^۱ (۱۹۸۷) اذعان دارند، صورت‌های خطاب سرمایه‌هایی عاطفی به‌شمار می‌روند که قادرند تا جایگاه افراد را مشخص کنند و ابزاری برای حفظ وجهه تشخیص داده شوند (به‌نقل از احمدخانی، ۱۳۹۳).

پژوهش براون و گیلمن (۱۹۶۰) را می‌توان پیشگام‌ترین پژوهش درباره صورت‌های خطاب از منظر زبان‌شناسی اجتماعی لقب داد. این پژوهش با توجه به نحوه کاربرد ضمیر خطاب و مطابقت آن با گوینده و شنونده، به چگونگی ارتباط ساخت‌های اجتماعی در زبان‌های آلمانی، اسپانیایی، فرانسوی و ایتالیایی پرداخته‌اند. ایشان معتقدند که کنترل‌کنندگان ضمیرهای خطاب، دو عامل قدرت و همبستگی هستند.

در منابع فارسی زبان، نخستین پژوهش درباره صورت‌های خطاب از منظر زبان‌شناسی اجتماعی به مشیری (۱۳۵۸) بازمی‌گردد. وی هنجارهای خطاب را در روابط خانوادگی بررسی کرده است. این پژوهش سبب دسته‌بندی این نوع خطاب‌ها بر اساس معیارهایی چون شغل، تحصیلات، سن، جنسیت و تأثیر جوامع دیگر به سه دسته A، B و C شده است.

کشاوری (۱۳۷۱) در چارچوب دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی، به بررسی ضمیر شخصی فاعلی و صورت‌های خطاب پرداخته است. در حقیقت، وی با توجه به نگرش‌های اجتماعی و ایدئولوژیک، اصطلاحات نمود یافته در زبان فارسی را پس از انقلاب اسلامی تحلیل کرده است. کشاوری با نگاهی به عبارات‌های خطاب گویشوران، استفاده از صورت‌ها و ضمیرهای خطابی خاص را منجر به ابراز حالات عاطفی و احساسات گوینده می‌داند. در نظر وی، کنش خطاب بازگوکننده موقعیت اجتماعی طرفین و نوع رابطه میان گوینده و مخاطب است.

¹ Brown and Levinson

دادمهر و شریفی مقدم (۱۳۹۳) در بررسی مقابله‌ای نقش و کاربرد القاب خطاب میان دو زبان فارسی و انگلیسی، این القاب را از حیث امکان آشکارسازی تفاوت‌های فرهنگی بین دو جامعه زبانی، حائز اهمیت دانسته‌اند. آنان با مشاهده گفتگوهای شش فیلم فارسی‌زبان و شش فیلم انگلیسی‌زبان، نقش و کارکرد القاب خطاب را در نه دسته جداگانه تقسیم‌بندی کرده‌اند. ایشان دریافته‌اند که کارکرد القاب خطاب در دو زبان فارسی و انگلیسی به‌رغم تفاوت‌های بسیار، دارای شباهت‌هایی نیز است. این پژوهش دو عامل فرهنگ و مذهب را در تفاوت‌های دو زبان دخیل می‌داند و القاب خطاب در زبان فارسی را دورتر و رسمی‌تر و در زبان انگلیسی، صمیمی و نزدیک‌تر عنوان می‌کند.

هوانگ^۱ (۱۹۹۱) به بررسی تفاوت‌های صورت‌های خطاب در زبان کره‌ای و انگلیسی پرداخته است. وی اذعان دارد که در فرهنگ کره‌ای بر خلاف فرهنگ آمریکایی، استفاده از اسامی کوچک چندان مطرح نیست و استفاده از این اسامی در میان گروه‌های سنی کودکان و نوجوانان یا خطاب قرار گرفته شدن ایشان توسط بزرگ‌ترها محدود می‌شود. این در حالی است که در فرهنگ کره‌ای، استفاده از نام‌خانوادگی یا عنوان شغلی و حرفه‌ای متداول‌تر است. هوانگ اذعان دارد که جمع‌نگری و خانواده‌محوری فرهنگ شرقی و فردگرایی فرهنگ غربی علت این موضوع است.

صورت‌ها و عبارت‌های خطاب، نقش بسیار مهمی را در آثار ادبی ایفا می‌کنند؛ به‌ویژه آن دسته از آثاری که در قالب تعلّم و پندآموزی ظاهر می‌شوند. افزون بر این، در گونه غزل که عموماً محتوایی عاشقانه و عارفانه دارد، خطاب قرار دادن معشوق، اهمیت ویژه‌ای در بر خواهد داشت. بسیاری از ادب‌پژوهان خطاب را ابزاری برای ارتباط مستقیم و رو در رو استنباط می‌کنند؛ این در حالی است که در نظر عده‌ای دیگر، سخن گفتن از خود و شخص غایب نیز در بسیاری از بافت‌های ادبی، در زمره خطاب جای می‌گیرد؛

^۱. Hwang

چراکه در نهایت، هدف از این امر نیز انتقال مفاهیم و برقراری ارتباط خواهد بود. از همین رو، میرباقری فرد و اسماعیلی (۱۳۸۸) با نگاهی به نظریه ارتباطی یاکوبسن (۱۹۵۶)، خطاب‌ها را در کتاب مثنوی بررسی کرده‌اند. آنان به تأثیر خطاب و ندا در ساخت کارکردهای کنشی و انگیزشی پرداخته‌اند و سپس انواع خطاب‌ها را در مثنوی معنوی دسته‌بندی کرده‌اند.

پژوهشگر در این نوشتار تلاش می‌کند تا وجود فرایند مجاز را در صورت‌های خطابی زبان فارسی تحلیل و بررسی کند. این امر می‌تواند علاوه بر توجه بیشتر به بازنمایی فرایند مجاز در زبان خودکار در کنار زبان ادب، به ارائه دسته‌بندی دقیق‌تری از این ابزارهای مهم زبانی منجر شود.

۳. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی محسوب می‌شود که داده‌های آن به شیوه کتاب‌خانه‌ای گردآوری شده‌اند. برای این منظور، ۵۰۰ جمله گردآوری شده از پیکره‌های زبان فارسی با هدف طبقه‌بندی و استخراج صورت‌های خطاب و شناسایی فرایند مجاز در آن‌ها تحلیل می‌شوند که این تحلیل براساس مطالعه منابع زبان‌شناختی یا ادب‌پژوهی است.

از آنجایی که داده‌های مورد بررسی در این پژوهش صرفاً جمله‌هایی است که حاوی صورت خطاب باشند، گردآوری داده‌های این پژوهش به صورت هدفمند از چند پیکره انجام شده است. پیکره‌های استفاده شده در این پژوهش شامل وب‌سایت دادگان (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، پایگاه پژوهشی دادگان (دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی)، پیکره موجودیت‌های نامدار و پیکره واحدهای اسمی آرمان، پیکره کتابخانه دیجیتال فارسی و پیکره متنی زبان فارسی می‌شود. علت انتخاب این پیکره‌ها، به کارگیری صورت‌های مختلف زبان معیار فارسی و تکثر جملات دارای صورت خطاب است. برای

یافتن این صورت‌های خطاب، بیشتر از جست‌وجوی نقش‌نمای ندا و منادا استفاده شده است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تاکنون دسته‌بندی‌های متفاوتی از صورت‌های خطاب در زبان فارسی ذکر شده است (خطاب‌های مستقیم، خطاب‌های صفر، خطاب‌های معکوس، استراتژی‌های طفره‌روی از تابو (تعلیق) و...) که هر کدام بر اساس ساختار یا نوع مخاطب، قابل بررسی بوده‌اند. رواج نظریه‌های معنایی و تأمل در باب مجازها، سبب شده است تا نگارنده این پژوهش به تاثیرپذیری ساختار برخی از صورت‌های خطاب از فرایند مجاز نظر کند. ریچارد نسبت^۱ (۲۰۰۳)، زبان‌های شرقی را متأثر از فرهنگ و اندیشه اهالی مشرق‌زمین می‌داند که در آن توجه بیشتری به روابط و سلسله‌وار بودن پدیده‌ها به چشم می‌خورد؛ از این رو، گرایش فارسی‌زبانان به این سو، سبب متداول‌شدن مجازها در زبان خودکار و زبان برجسته (ادبیات) ایشان شده است. شاهد این امر را می‌توان تنوع خویش‌واژه‌ها در زبان فارسی دانست که به‌زعم دادمهر و شریفی‌مقدم (۱۳۹۳)، ناشی از اهمیت روابط خویشاوندی و سلسله‌مراتب خانوادگی در فرهنگ ایرانیان است.

براساس دسته‌بندی به دست آمده در این پژوهش، خطاب‌های زبان فارسی به مواردی چون خطاب‌های مستقیم، خطاب‌های صفر، خطاب‌های معکوس، استراتژی‌های طفره‌روی از تابو (تعلیق) و خطاب‌های استعاری تقسیم می‌شود. افزون بر این، دسته‌بندی‌های تازه‌ای از صورت‌های خطاب ذکر شدند که شامل 'صورت‌های خطاب متضاد' و 'صورت‌های خطاب هیجانی یا عاطفی' هستند.

۴.۱. علاقه یا کاهش عام و خاص در صورت‌های خطابی

¹ Richard Eugene Nisbett

بنا بر احمدخانی (۱۳۹۳)، خطاب‌های مستقیم (محاوره‌ای) در زبان فارسی به اسامی اشخاص، ضمیرهای شخصی، القاب یا عناوین، عبارات مذهبی، عبارات شغل‌محور، خویش‌واژه‌ها، عبارات رسمی، عبارات صمیمانه و عبارات توصیفی تقسیم کرد. با وجود این و آنچه به‌نظر می‌رسد، گرایش زبان فارسی به استفاده از مجازها در زبان خودکار و زبان ادب، سبب شده است تا بتوان فرایند مجاز را در بسیاری از این خطاب مشاهده کرد. 'علاقه‌عموم و خصوص' یا 'کاهش خاص' در این گونه از صورت‌های خطابی، بسیار شایع و متداول است؛ به این معنی که اسم خاص به قرینه معنوی حذف می‌شود. نام کوچک در زبان فارسی بی‌نشان‌ترین صورت خطاب است (احمدخانی، ۱۳۹۳)؛ با این حال، در بسیاری از خطاب‌های این‌چنینی کاهش می‌یابد. افزون بر این، در بسیاری از صورت‌های خطاب از اسم خاصی دیگر برای خطاب قرار دادن دیگری استفاده می‌شود.

جدول ۱. نمونه‌هایی از علاقه یا کاهش عام و خاص در صورت‌های خطابی

ردیف	داده دارای صورت خطاب	نوع خطاب	نوع مجاز
۱	عذر می‌خوام <u>جناب سرهنگ</u> مثل این که سرکار اطلاعی از این مسایل ندارین.	شغل‌محور	علاقه یا کاهش خاص
۲	ای <u>یوسف</u> فگارم نزدم چرا نیایی / ای طفل نازنینم، آخر مگر کجایی	خطاب استعاری	علاقه یا کاهش عام
۳	در دیده‌ما نظر کن ای <u>شاه</u> / ای نور دو چشم نعمت‌الله	شغل‌محور	علاقه یا کاهش خاص

۲.۴. علاقه یا کاهش کل و جزء در صورت‌های خطابی

برخی از صورت‌های خطابی حاوی این فرایند هستند که در آن‌ها با ذکر کل یکی موضوع، جزء آن خطاب قرار می‌گیرد. این موضوع به‌صورت عکس نیز اتفاق می‌افتد و با ذکر جزء، کل موضوع خطاب می‌شود.

جدول ۲. نمونه‌هایی از علاقه یا کاهش کل و جزء در صورت‌های خطابی

ردیف	داده دارای صورت خطاب	نوع خطاب	نوع مجاز
۴	ای <u>دل</u> ، بنشین، که فتنه برخاست / ای دوست، بیا، که رفتم از دست (نظامی)	مستقیم	جزئیت
۵	از آسمان ندایی آمد که ای <u>استخوان‌های شکسته</u> و ای <u>گوشت‌های ازهم‌پاره‌شده</u> و ای عروق پاره‌پاره گشته!	خطاب توصیفی	جزئیت
۶	گفت که ای <u>خلق بنگرید</u> تانتان / گفت که ای قوم بشنوید سراسر	خطاب مذهبی	کلیت

۳.۴. علاقه یا کاهش موصوف در صورت‌های خطابی

به نظر می‌رسد که صورت‌های خطاب توصیفی، در بر گیرنده بیشترین فرایند مجاز باشند. در این گونه خطاب‌ها، موصوف حذف می‌شود یا به عبارتی دقیق‌تر کاهش می‌یابد و گوینده مخاطب را به وسیله صفت، خطاب قرار می‌دهد.

جدول ۳. نمونه‌هایی از علاقه یا کاهش موصوف در صورت‌های خطابی

ردیف	داده دارای صورت خطاب	نوع خطاب	نوع مجاز
۷	<u>نازنینا</u> ما به ناز تو جوانی داده‌ایم / دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا (شهریار)	خطاب توصیفی	علاقه یا کاهش موصوف
۸	ای <u>دلنواز شیرین</u> ، از عاشقان مشفق / خوشدلتر از قوامی، دانی که کس نباشد (قوامی رازی)	خطاب توصیفی	علاقه یا کاهش موصوف
۹	تا می‌توان گرفتن ای <u>دلبران</u> به گردن / در دست و پا مریزید خون حلال ما را (صائب)	خطاب توصیفی	علاقه یا کاهش موصوف

۴.۴. علاقه یا کاهش مضاف و مضاف‌الیه در صورت‌های خطابی

در زبان فارسی، نام و نام‌خانوادگی گونه‌ای از مضاف و مضاف‌الیه محسوب می‌شود؛ به این معنا که کاهش نام کوچک یا عنوان 'آقا' یا 'خانم' در برخی از بافت‌های موقعیتی

مانند محیط‌های آموزشی و شغلی، خطابی مجازی را پدید می‌آورد. این امر در برخی از اسامی که همراه با عناوین خطاب مذهبی، شغل‌محور یا خویش‌واژه نیز همراه می‌شود، صادق خواهد بود. افزون بر این، در برخی از خطاب‌هایی که تحت تأثیر استراتژی‌های طفره‌روی و تابو قرار دارند، حذف واژه مضاف سبب نوعی خوشایندسازی می‌شود.

نوع دیگری از صورت‌های خطاب وجود دارند که می‌توان آن‌ها را در زمره خطاب‌هایی مجازی قرار داد که از گذر علاقه مضاف یا مضاف‌الیه به وجود آمده‌اند.

جدول ۴. نمونه‌هایی از علاقه یا کاهش مضاف و مضاف‌الیه در صورت‌های خطابی

ردیف	داده دارای صورت خطاب	نوع خطاب	نوع مجاز
۱۰	با برادر گو که ای بازوی من / ای به یاد یاریت نیروی من	خویش‌واژه	مضاف و مضاف‌الیه
۱۱	از عشق تو برنجوشم ای جان / کز نیش تو است نوشم ای جان	صمیمانه	مضاف و مضاف‌الیه
۱۲	به شیراز رفتنت راضی نبودم، ای عزیزم / چرا که تیر عشقت خورده‌بودم، ای عزیزم (جمال‌زاده)	صمیمانه	مضاف و مضاف‌الیه

۵.۴. علاقه یا کاهش ظرف و مظروف در صورت‌های خطابی

در صورت‌های خطابی که از گذر مجاز به علاقه ظرف یا مظروف یا 'محلّیت' به وجود آمده‌اند، به‌طور معمول برای اشاره به یک شخص، مکانی ذکر می‌شود که وی در آنجا حاضر است؛ گرچه نمونه‌هایی عکس این موضوع هم مشاهده می‌شود و برای اشاره به مکانی، نام شخص حاضر در آن را ذکر می‌کنند.

جدول ۵. نمونه‌هایی از علاقه یا کاهش ظرف و مظروف در صورت‌های خطابی

ردیف	داده دارای صورت خطاب	نوع خطاب	نوع مجاز
۱۳	مسجدا گر کربلای من شوی / کعبه حاجت‌روای من شوی (مولانا)	خطاب استعاری	ظرف و مظروف
۱۴	هست دوزخ همچو سرمای خزان / هست کوثر چون بهار ای گلستان (مولانا)	خطاب استعاری	ظرف و مظروف
۱۵	زن حاجی را... منزل ما و منزل آقارضا و منیرسادات متوجه گیریش می‌کنند.	استراتژی ظفره‌روی	ظرف و مظروف

۶.۴. علاقه یا کاهش ماکان و مایکون در صورت‌های خطابی

استفاده از صورت‌های خطاب برگرفته از علاقه یا کاهش ماکان و مایکون، از جمله صورت‌های خطابی است که در بافت‌های متنوع کاربرد می‌یابد. در این نوع صورت‌های خطاب، گوینده مخاطب را با عنوان یا لقب وی در گذشته یا آینده مورد خطاب قرار می‌دهد. به عنوان مثال، انسان در بسیاری از متون با عنوان «خاک» خطاب شده است و به خلقت این موجود از خاک اشاره دارد.

جدول ۶. نمونه‌هایی از علاقه یا کاهش ماکان و مایکون در صورت‌های خطابی

ردیف	داده دارای صورت خطاب	نوع خطاب	نوع مجاز
۱۶	از کجای زمین برویده‌ای، ای خاک؛ ای قلب خاک تا چنین تُرد می‌نمایی؟ (دولت‌آبادی)	خطاب استعاری	ماکان و مایکون
۱۷	پارسی گویم هین تازی بهل / هندوی آن ترک باش ای <u>آب</u> و <u>گل</u> (مولانا)	خطاب توصیفی	علاقه ماکان
۱۸	می‌کشد دانش ببیش ای <u>علیم</u> / گر یقین گشتی ببینندی جحیم (مولانا)	خطاب توصیفی	علاقه مایکون

۷.۴. علاقه مجاورت در صورت‌های خطابی

صورت‌های خطابی که به دلیل مجاورت مخاطب با پدیده‌ای انتخاب می‌شوند، جایگاه ویژه‌ای در زبان دارند. در نمودهایی از صورت‌های خطاب معکوس یا استراتژی‌های خطابی برای تعلیق، این صورت‌های خطابی به چشم می‌خورد. از جمله دیگر کاربردهای علاقه مجاورت می‌توان به کاربرد صوری خویش‌واژه‌ها برای خطاب افرادی اشاره داشت که به مثابه اقوام و خویشان هستند. برخی صورت‌های خطاب مذهبی نیز در زمره این گونه خطاب‌ها قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه‌ای تاریخی، در عصر حافظ خطاب قرار دادن دختران و بانوان تابو قلمداد می‌شد و مکرراً در اشعار حافظ برای فرار از این تابو، به جای واژه «دختر» از واژه «پسر» و امثالهم استفاده شده است. در نمونه خطاب‌های معکوس، فرد با نام یا خویش‌واژه مربوط به خود، مخاطب را خطاب قرار می‌دهد. مانند زمانی که یک عمو، برادرزاده خود را «عمو جان» خطاب می‌کند.

جدول ۷. نمونه‌هایی از علاقه مجاورت در صورت‌های خطابی

ردیف	داده دارای صورت خطاب	نوع خطاب	نوع مجاز
۱۹	ای نازنین پسر، تو چه مذهب گرفته‌ای؟ / کت خونِ ما حلالتر از شیرِ مادر است (حافظ)	خطاب طفره‌ای	مجاورت
۲۰	حافظ جناب پیر مغان جای دولت است / من ترک خاک‌بوسی این در نمی‌کنم (حافظ)	خطاب معکوس	مجاورت
۲۱	با اجازه شما عیالِ کربلایی هم می‌آید، دستِ کربلایی را تو دستش بگذاری.	خطاب طفره‌ای	مجاورت

۸.۴. علاقه تضاد در صورت‌های خطابی

خطاب‌های معکوس در زبان خودکار بسیار متداول هستند و برای پدید آوردن طنز واژگانی، استهزا یا کنایه به کار می‌روند. در این گونه خطاب‌ها گوینده به منظور اشاره به مخاطب، از القاب، صفات یا عناوین متضاد با وی استفاده می‌کند. این خطاب‌ها به طور معمول با قصد ایجاد نوعی طنز واژگانی یا استهزا به کار می‌روند. این موضوع را می‌توان در مباحث ادب پژوهی، تحت عنوان 'استعاره عنادیه' مطرح کرد. بنا بر نظر آقا حسینی (۱۳۸۲)، مبنای استعاره عنادیه وجه شبه نیست و ریشه آن را باید در مفاهیمی چون تشبیه طنز یا مغالطه و مجازیه علاقه تضاد جست‌وجو کرد.

در نظر پژوهشگر، تفاوت خطاب‌های متضاد یا متناقض با اصطلاحی بلاغی که تحت عنوان 'کنایه' از آن یاد می‌شود، نحوه عملکرد 'قرینه صارفه' است؛ چراکه براساس جبری (۱۳۹۴)، در کنایه، قرینه صارفه که مخاطب را از معنای مدنظر آگاه می‌کند، وجود ندارد. این درحالی است به زعم نگارنده، در خطاب متضاد معنای صریح با توجه به بافت زبانی منتقل می‌شود.

جدول ۸. نمونه‌هایی از علاقه تضاد در صورت‌های خطابی

ردیف	داده دارای صورت خطاب	نوع خطاب	نوع مجاز
۵	مرد حسابی می‌خواستی یک‌خرده زودتر بلند بشوی، مجبور نشوی بدوی. (مخمل‌باف)	خطاب متضاد	تضاد
۶	مسلماً این آقا دیوانه شده است! مگر کسی این کار را می‌کند آدم عاقل؟ (عبدالله مستوفی)	خطاب متضاد	تضاد
۷	ناصرحکم گفت که جز غم چه هنر دارد عشق؟ / گفتم ای خواجه عاقل هنری بهتر از این؟ (حافظ)	خطاب متضاد	تضاد
	همین جوری صدا زدم: «آهای خوش‌غیرت، بست نشستی؟»	خطاب متضاد	تضاد

۹.۴. علاقه تشابه در صورت‌های خطابی

علاقه تشابه که از آن باعنوان مجاز بالاستعاره و استعاره نیز یاد می‌کنند، در صورت‌های خطابی به‌وفور مشاهده می‌شود. سنت ادبیات فارسی و زبان خودکار، در برگیرنده آن دسته از صورت‌های خطابی است که گوینده به‌واسطه تشابه، برای اشاره به مخاطب خود استفاده می‌کند.

جدول ۹. نمونه‌هایی از علاقه تشابه در صورت‌های خطابی

ردیف	داده‌دارای صورت خطاب	نوع خطاب	نوع مجاز
۵	تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار / که توسنی چو فلک رام تازیانه توست (حافظ)	خطاب استعاری	تشابه
۶	گفتم هین قصد کی داری بگو / شیر خدا حمله کجا می‌بری (مولانا)	خطاب استعاری	تشابه
۷	ای مادیان سفید و ای پلک چشم من، من خیلی متأسفم که سبب مرگ تو شده‌ام. (منصوری)	خطاب استعاری	تشابه

۱۰.۴. خطاب‌های غیرارجاعی

خطاب‌های غیرارجاعی از جمله صورت‌های خطابی هستند که به قصد ارجاع به مخاطب در رویدادهای کلامی به‌کار نمی‌روند. در واقع این خطاب‌ها نوعی اثر گفتمانی می‌گذارند و نقش آغازگر گفت‌وگو یا وظیفه‌القای شور یا احساسات به رویداد کلامی را بر عهده دارند. نمونه‌های زیر، 'صورت‌های خطاب عاطفی' و 'صورت‌های خطاب صفر' را در بر می‌گیرند.

جدول ۱۰. نمونه‌هایی از صورت‌های خطاب عاطفی و صورت‌های خطاب صفر

ردیف	داده دارای صورت خطاب	نوع خطاب
۵	ای بابا، این‌ها چه حرفی است. (جمال‌زاده)	خطاب عاطفی
۶	ای دل غافل! نامزد رقیه بود. (علوی)	خطاب عاطفی
۷	یا رب چه غمزه کرد صُراحی که خون خُم/ با نعره‌های قُلُقُلش اندر گلو بیست	خطاب عاطفی
	کامی: سلام. من و منوچهر: به‌به... سلام به روی ماه شما.	خطاب صفر
	بیخشید آب‌خنک کجاست؟	خطاب صفر
	به گوش باش! پیشینه این دیار از امثال رستم و آرش مستغنی است.	خطاب صفر

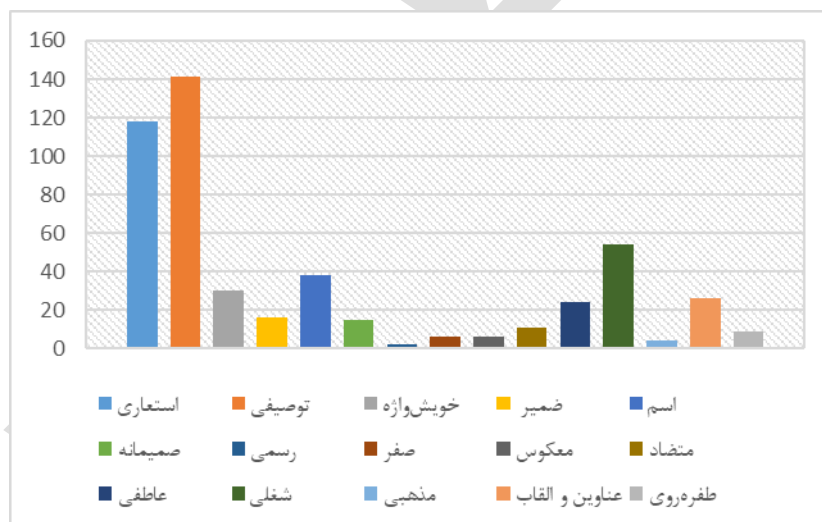
۱۱.۴. تحلیل کلی داده‌ها

صورت‌های خطاب در زبان ادب و زبان خودکار فارسی، ابزارهای زبانی قدرتمندی محسوب می‌شوند که حامل بار اجتماعی و فرهنگی غنی هستند. دسته‌بندی صورت‌های خطاب به گونه‌ای دقیق‌تر، می‌تواند در درک این صورت‌ها، تشخیص رابطه بین گوینده و مخاطب و همچنین فضای اجتماعی و فرهنگی ثمربخش باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی فرایندهای مجاز در صورت‌های خطاب انجام شده است و به‌مظور ارائه درکی صحیح‌تر از این موضوع، تعداد ۵۰۰ جمله از پیکره‌های زبان فارسی که بررسی شد. این جملات دارای صورت‌های خطابی بودند که احتمال وجود فرایند مجاز در آن‌ها بسیار بود و براساس روابط معنایی سنتی و الگوهای معناشناختی تازه‌تر، به‌صورت هدف‌مند انتخاب شده بودند. صورت‌های خطاب موجود در این جملات را می‌توان به اسامی و ضمائر شخصی، القاب یا عناوین، استعاری، توصیفی، خویش‌واژه، عناوین مذهبی، عبارات صمیمانه، شغل‌محور، استراتژی طفره‌روی، خطاب‌های معکوس، خطاب صفر، خطاب متضاد و خطاب عاطفی تقسیم کرد. در این میان، خطاب‌های توصیفی با ۲۸/۲ درصد (۱۴۱ جمله) بیشترین بسامد را داشتند و خطاب‌های استعاری با ۲۳/۶ درصد (۱۱۸ جمله) در جایگاه دوم بیشترین بسامد قرار داشتند. عبارات رسمی ۰/۴ درصد (۲ جمله) کمترین میزان

وقوع را به خود اختصاص دادند. جدول ۱۱ و نمودار ۱۱ بیانگر تعداد و بسامد جملات بر اساس نوع صورت خطاب است.

جدول ۱۱. بسامد انواع صورت‌های خطاب

نوع خطاب	تعداد	استعاری	توصیفی	خویش‌واژه	ضمیر شخصی	اسم	عبارات صمیمانه	عبارات رسمی	استراتژی طرفه‌روی
نوع خطاب	تعداد	۱۱۸	۱۴۱	۳۰	۱۶	۳۸	۱۵	۲	۹
درصد	درصد	۲۳/۶	۲۸/۲	۶	۳/۲	۷/۶	۳	۰/۴	۱/۸
نوع خطاب	تعداد	۶	۶	۱۱	۲۴	۵۴	۴	۲۶	
درصد	درصد	۱/۲	۱	۲/۴	۴/۸	۱۰/۴	۰/۸	۷/۸	



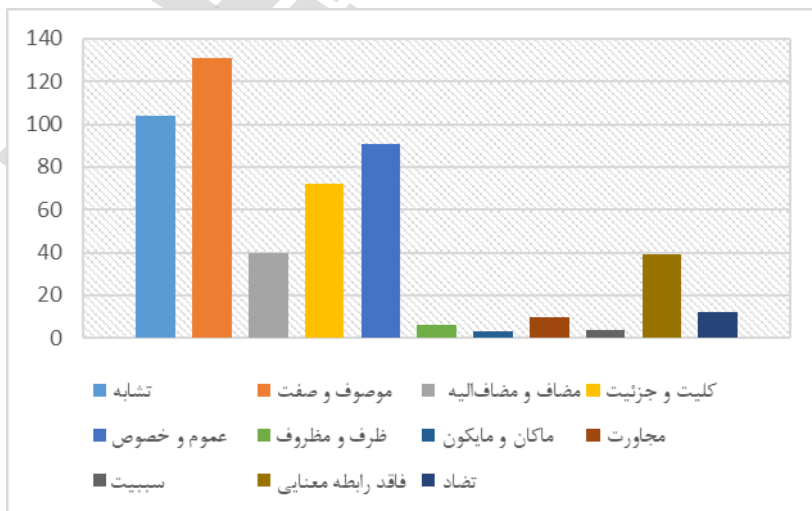
نمودار ۱. صورت‌های خطاب در ۵۰۰ جمله زبان فارسی

در اغلب صورت‌های خطاب جمع‌آوری شده، فرایند مجاز مشاهده می‌شود؛ با این حال آنچه مشخص است، صورت‌های خطاب صفر و صورت‌های خطاب عاطفی فاقد این فرایند هستند. علاقه یا کاهش کلیت و جزئیت، علاقه یا کاهش موصوف و صفت، علاقه یا

کاهش مضاف و مضاف‌الیه، علاقه یا کاهش سببیت، علاقه یا کاهش ظرف و مظروف، علاقه یا کاهش عموم و خصوص، علاقه یا کاهش ماکان و مایکون، علاقه تشابه و موضوع مجاورت در بررسی صورت‌های خطاب مدنظر قرار گرفته است. بر همین اساس، علاقه یا کاهش موصوف با ۲۶/۲ درصد وقوع، بیشترین بسامد را بین روابط معنایی مجاز داشت و علاقه یا کاهش ماکان و مایکون با تنها ۰/۶ درصد، کمترین رابطه معنایی به شمار می‌رفت. جدول ۱۳ و نمودار ۲ بسامد و درصد وقوع این فرایندها را نشان می‌دهد.

جدول ۱۳. بسامد انواع فرایندهای معنایی مجاز

رابطه معنایی مجاز	تشابه	موصوف و صفت	مضاف و مضاف‌الیه	کلیت و جزئیت	عموم و خصوص	تضاد
تعداد	۱۰۴	۱۳۱	۴۰	۷۲	۹۱	۱۲
درصد	۲۰/۸	۲۶/۲	۸	۱۴/۴	۱۸/۲	۲/۴
رابطه معنایی مجاز	ظرف و مظروف	ماکان و مایکون	مجاورت	سببیت	فاقد رابطه معنایی	
تعداد	۶	۳	۱۰	۴	۳۹	
درصد	۱/۲	۰/۶	۲	۰/۸	۷/۸	



نمودار ۲. فرایندهای مجاز در ۵۰۰ جمله زبان فارسی

بدون تردید و به اقتضای شیوه نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات ارائه شده در جدول‌های فوق، تصویری تقریبی از بسامد وقوع صورت‌های خطاب در زبان فارسی ارائه می‌دهد و می‌توان به این نتایج به چشم ابزاری برای چگونگی وجود فرایند مجاز در صورت‌های خطابی نظر کرد.

۵. نتیجه‌گیری

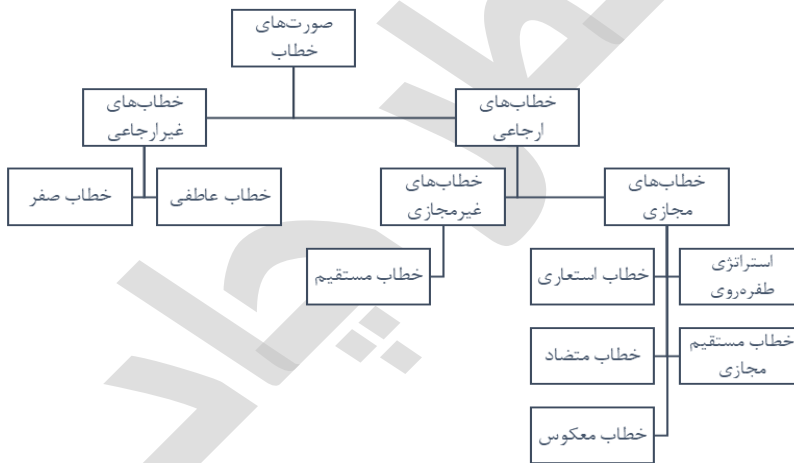
فرایند معنایی مجاز، یک فرایند مهم در زبان خودکار و زبان ادب است که نمودهای بسیاری دارد. صورت‌های خطاب زبان فارسی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم به‌لحاظ اجتماعی، می‌توانند در برگیرنده فرآیند مجاز باشند. از آنجایی که دسته‌بندی صورت‌های خطاب تاکنون به‌گونه‌ای پراکنده بوده‌اند. از فرایند مجاز می‌توان به‌عنوان وسیله‌ای برای دسته‌بندی این ابزارها در نظر گرفت.

مطابق داده‌های گردآوری‌شده، خطاب‌های توصیفی (۲۸/۲ درصد) و خطاب‌های استعاری (۲۶/۳ درصد) بیشترین گونه از صورت‌های خطاب رو به خود اختصاص داده بودند. از سوی دیگر، خطاب‌های رسمی با (۰/۴ درصد) کمترین بسامد را داشته‌اند که به‌نظر می‌رسد دلیل این موضوع، عدم تکرار زیاد در موقعیت‌های رسمی باشد.

به‌طور کلی می‌توان صورت‌های خطاب فارسی را برای مقاصد ارجاعی یا مقاصد غیرارجاعی (گفتمانی) به کار برد. اگر صورت‌های خطاب عاطفی و خطاب‌های صفر را به‌عنوان دسته‌بندی جداگانه‌ای، تحت عنوان خطاب‌های گفتمانی در نظر بگیریم، می‌توانیم سایر خطاب‌ها را به دو زیرشاخه مجازی و غیرمجازی تقسیم کنیم. دسته‌بندی خطاب‌های مجازی که در برگیرنده خطاب‌های استعاری نیز هستند، خطاب‌های معکوس، خطاب‌های متضاد و خطاب‌هایی با استراتژی‌های طفره‌روی را نیز شامل می‌شوند؛ این دسته‌بندی می‌تواند به آن دسته از خطاب‌های مستقیمی که دارای فرایند مجاز هستند نیز تعلق گیرد.

دسته‌بندی دیگر که تحت عنوان خطاب‌های غیرمجازی هستند، صرفاً خطاب‌های مستقیم را در بر می‌گیرد.

نموداری که در ادامه آمده است، گویای توضیحات فوق خواهد بود. این نمودار به دو شاخه اصلی خطاب‌های ارجاعی (برای ارجاع به مخاطب) و خطاب‌های غیرارجاعی تقسیم شده است و هر یک از این شاخه‌ها، دو شاخه فرعی را در بر می‌گیرد. خطاب‌های غیرارجاعی به دو دسته خطاب عاطفی و خطاب صفر تقسیم می‌شوند. خطاب‌های ارجاعی نیز با توجه به عوامل موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی، به ارجاع به مخاطب در کنش‌های کلامی اختصاص دارند.



نمودار ۳. دسته‌بندی صورت‌های خطابی

منابع

- احمدخانی، محمدرضا. (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی عبارات خطاب در فارسی گفتاری محاوره‌ای. *نشریه زبان شناخت* (۱)، ۵، ۱-۱۸
- دادمهر، سارا؛ شریفی مقدم، آزاده (۱۳۹۳). بررسی مقابله ای نقش و کاربرد القاب خطاب در زبان فارسی و انگلیسی. *ادبیات و زبان‌ها: همایش زبان‌شناسی ایران* دوره ۹، ۵۰۸-۴۹۵
- فالر، راجر؛ لاج، دیوید؛ یاکوبسن، رومن؛ بری، پیترو. (۱۳۶۹). *زبان‌شناسی و نقد ادبی*. ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نشر نی
- شعبانی، منصور؛ صراحی، محمدامین. (۱۳۹۶). *خطاب‌های انسانی و استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در زبان گیلکی: رویکردی شناختی*. *نشریه فرهنگ و ادبیات عامه*. شماره ۱۴، ۹۶-۶۹
- صفوی، کورش. (۱۳۸۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات؛ جلد اول*. تهران: نشر سوره مهر
- صفوی، کورش. (۱۳۸۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات؛ دفتر دوم*. تهران: نشر سوره مهر
- صفوی، کورش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: نشر سوره مهر
- صفوی، کورش. (۱۳۹۱). *نگاهی تازه به فرآیند مجاز در زبان ادب فارسی؛ نوشته‌های پراکنده؛ دفتر اول*. تهران: نشر علمی، ۸۷-۱۱۲
- صفوی، کورش. (۱۳۹۱). *حذف یا کاهش؛ نوشته‌های پراکنده؛ دفتر اول*. تهران: نشر علمی، ۵۲۴-۴۸۳
- فرخی‌فر، مهدی. (۱۳۹۱). *آموزش مجاز در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- کشاوری، محمدحسین. (۱۳۷۲). *ضمایر شخصی و صورت‌های خطاب (از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان)*. *نشریه زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۱، ۸۴-۷۱
- گندمکار، راحله. (۱۳۹۵). *مجاز و کاهش*. *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. شماره ۷۵-۵۹، ۱۱

- گندمکار، راحله؛ طیب‌زاده، ا. (۱۳۹۶). بررسی مجاز در زبان فارسی بر مبنای نظریه مفاهیم واژگانی و الگوهای شناختی. فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء. (۲۳) ۹
- گندمکار، راحله. (۱۳۹۷). مجاز در زبان فارسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- لیکاف، جورج؛ جانسون، مارک. (۲۰۰۳). استعاره‌هایی که باور داریم. ترجمه راحله گندمکار. (۱۳۹۹). تهران: نشر علمی
- مرزی، رامین؛ احمدخانی، محمدرضا؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، لیلا. (۱۳۹۹). استعاره در عبارت‌های خطاب زبان ترکی آذری. نشریه مطالعات زبان ها و گویش های غرب ایران. شماره ۳۳، ۱۰۲-۸۵
- مهدی‌زاده سراج، ملیحه. (۱۳۷۹). «مجاز»، تحلیل معنایی. همایش زبان شناسی ایران. دوره ۵، ۷۶۰-۷۷۰

منابع انگلیسی

- Afful, J. (2006). *Address Terms among University Students in Ghana: A Case Study* Journal of Language and Intercultural Communication 6 (1).
- Ahmadkhani, R. (2014). A Sociological Study of Address Terms in Spoken Colloquial Persian. Language study IHCS 5(9), 1-18
- Ateeqallah A Alharbi, T. (2015). *A Socio-pragmatic Study of Forms of Address and Terms of Reference in Classical Arabic as Represented in the Chapter of Joseph in the Holy Quran*. The University of Leeds: School of Languages, Cultures and Societies (LCS)
- Brown, R; Gilman, A (1960). *The Pronouns of Power and Solidarity*. Sebeoki ,Thomas A. (ed.): Style in Language, Cambridge: Cambridge University Press.
- Dadmehr, S; Sharifi, A. (2014). A comparative study of the role and use of address terms in Persian and English. Literature

- and Languages: Iranian Linguistics Conference. 9. 495-508
- Dickey (1997). *Forms of address and terms of reference*. Cambridge University Press
- Fowler, R. (1996). *Linguistic Criticism* (2nd Edition). Oxford University Press
- Fitch, K, L. (2009) *The interplay of linguistic universals and cultural knowledge in personal address: Colombian Madre terms*. Communication Monographs.
- Gandomkar, R. (2016). *Metonymy or decreasing*. Journal of Comparative Linguistic Researches. 9. 69-75
- Gandomkar, R. (2018). *Metonymy in Persian language*. Tehran: ATU Publications
- Hwang, S. J. (1960). *Terms of Address in Korean and American Cultures*. International Communication Studies, 2.
- Keshavarz, H.M. (1988). "Forms of Address in Post-Revolutionary Iranian Persian: A Sociolinguistic Analysis", *Language in Society*
- Lakoff, G ; Johnson, Mark. (1980). *Metaphors We Live By*. University of Chicago Press
- Lehtimaja, I. (2011). *Teacher-oriented address terms in students' reproach turns*. Department of Finnish, Finno-Ugrian and Scandinavian Studies, P.O. Box 4, 00014 University of Helsinki, Finland
- Marzi, R; Ahmadvhani, M; Kord Zafaranlu Kamboziya, A. (2021). *Metaphors in Address Terms of Azeri Turkish Language* 9 (2) 85-102
- Mahdizade Siraj, M. (2000). "Metonymy" semantic analysis. Iranian Linguistics Conference. 5, 770-760
- Oyetade, S. O. (1995). *A sociolinguistic analysis of address forms in Yoruba*. *Language in Society*, 24(4), 515–535.
- Rendle-Short, J. (2007) "*Catherine, you're wasting your time*": *Address terms within the Australian political interview*.

- Linguistics and Applied Linguistics Program, Australian National University, Canberra, ACT 0200, Australia
- Shabani M, Sarahi M A. Human Addressing and Animal Metaphors in Gilaki: A Cognitive Approach. CFL 2017; 5 (14) :69-96
- Safavi, K. (2001). From Linguistics to Literature (1). Tehran: Sooremehr
- Safavi, K. (2001). From Linguistics to Literature (2). Tehran: Sooremehr
- Safavi, K. (2008) An Introduction to Semantics. Tehran: Sooremehr
- Safavi, K. (2020) Collected writings (Semantics). Tehran: elmi publication
- Tabibzadeh, O; Gandomkar, R. (2017). Studying Metonymy in Persian and the Theory of Lexical Concepts and Cognitive Models. Zabanpazhuhi (Alzahra University). 9 (23) 151-176
- Zhu Hua. (2010). *Language socialization and interculturality: address terms in intergenerational talk in Chinese diasporic families*. Language and Intercultural Communication; Volume 10, 2010

Metonymy in Terms of Address in Persian Language

Pouriya Mohammadi Payvand¹

Behzad Rahbar²

Raheleh Gandomkar³

Received: 5/15/2023

Accepted: 8/13/2023

1. Introduction

Terms of address are powerful language tools that are used to refer to the audience in verbal actions with the influence of cultural and social factors. So far, several structural and content categories of forms of address have been introduced by linguists and literary scholars, which can be checked based on the type of audience, situational context or semantic relations. Address terms created through metaphors have attracted the attention of numerous linguists. What is certain is that most of the conducted researches emphasize the social and cultural role of terms of address. these terms are also influenced by factors such as gender, age, culture, religion, geography, situational context, emotional states, education and social status of the parties. According to Brown and Levinson (1960), forms of address are considered a kind of emotional capital, the use of which in verbal events has an impact on placing the parties in a more secure position, and can be referred to as a tool for "face maintenance".

On the other hand, by redefining metonymy in linguistics, attention was also paid to the permissible process in automatic language, and according to Safavi (2001), metonymy is considered a semantic process in automatic language that is involved in the constant changes of the concepts of this language.

¹ Graduated in general linguistics; pouriya_mohammadi@atu.ac.ir

² Allameh Tabataba'i University, Faculty of Literature and Foreign Languages, Department of Linguistics Assistant Professor; behzadrahbar@atu.ac.ir

³ Allameh Tabataba'i University, Faculty of Literature and Foreign Languages, Department of Linguistics Assistant Professor; r.gandomkar@atu.ac.ir

In the few researches that have been done in the framework of linguistics about the terms of address in Persian language, different categories have been introduced for this linguistic mechanism, which can be evaluated depending on the structure, content, type of linguistic context and the type of audience; However, it seems that the most comprehensive classification of terms of address in Persian belongs to Ahmadkhani (2014).

The current research is based on the assumption that extensive semantic relations govern the formation or selection of terms of address, which can be examined under the title of metonymy process.

2. Materials and methods

The current research is considered a qualitative research whose data has been collected in a library manner. For this purpose, 500 data have been collected from several corpora of Persian language (“Dadegan” website of Academy of Persian Language and Literature, “Dadegan research database” of Secretariat of Supreme Council of ICT, corpus of named entities and corpus of nominal units of Arman, corpus of Persian digital library and text corpus of Persian language). These sentences have been analyzed with the aim of classifying and extracting terms of address and identifying the metonymy process in them. The reason for choosing these corpora is the use of different forms of standard Persian language and the appropriate number of sentences with terms of address.

3. Results and discussion

So far, different categories of forms of address in Persian have been mentioned, each of which can be analyzed based on the structure or type of audience. The prevalence of semantic theories and reflection on the permissible has caused the author of this research to consider the relationship between the structure of some terms of address and the metonymy process.

Based on the classification mentioned in this research, Persian language addresses are divided into direct addresses (including descriptive address, job-oriented address, religious address,

sincere address, Official addresses, etc), zero addresses, contradictory addresses, taboo avoidance strategies and metaphorical addresses. In addition, new categories of terms of address were mentioned, which include 'opposite terms of address' and 'emotional or emotional terms of address'.

Based on research data, descriptive addresses were the most frequent with 28.2% (141 sentences) and metaphorical addresses were the second most frequent with 23.6% (118 sentences). Official addresses for the lowest occurrence of 0.4% (2 sentences).

The relationship between “adjective and described” with 26.2% of occurrences had the highest frequency among ironic semantic relationships, and the relationship “what has been and what will be” was the least semantic relationship with only 0.6%.

4. Conclusion

In general, Persian terms of address can be used for referential purposes or non-referential (discourse) purposes. If we consider terms of emotional address and zero addresses as a separate category, just like discourse addresses, we can divide other addresses into metonymical and non-metonymical sub-branches. The category of metonymical addresses, which also includes metaphorical addresses, includes reverse addresses, contradictory addresses, and addresses with taboo avoidance strategies; This category can also be assigned to those direct addresses that have metonymy process. Another category, which is called non-metonymical addresses, includes only direct addresses.

Keywords: Decreasing, Literature, Metaphor, Metonymy, Sociolinguistics, Terms of Address

